

## مشاهیر افغانستان

ابوالحسن فوشنجی : علی ابن سهل از عرفای مشهور قرن چهارم هجری است که بکینه خویش (ابوالحسین) یاد شد و در هرات تولد یافته و پس از سن رشد و تمیز در نیشاپور شتافته ، صاحب خلق نیکو و اهل طریقت است . بروایت نامه دانشوران زمان مقتدر و چند خلیفه دیگر عباسیان را دریافته و عصر عضدالدوله دیلمی را ادراک نموده است و هم در آن کتاب از صفات جای علیه الرحمه اقباس میکنند که شیخ ابوالحسن از طبقه خامه و در طریقت بعصر خود نیکوترین این طبقه بوده علاوه بر تقوی و تدبیر همت و جوانمردی هم داشته ابو عثمان حبریرا دیده و در عراق با ابوالعباس ابن عطاء و در شام با طاهر مقدسی و ابو عمر دمشقی صحبت داشته و با شبلی در بعضی مایله سخن گفته .

الحاصل این عارف کامل در شهر نیشاپور بسال ۳۴۸ هجری درود حیات گفته و در همان شهر مد فون گشت از کلمات اوست : در دنیا چیزی زشت تر از دوستی نیست که مبنی بر سبب و عوضی بود . ( ۱ )

در تذکرة الاولیای نویسنده شخصی ازو معنی تصوف برسد ، گفت امروز اسمی است و پدیدینی و پیش ازین حقیقی بود بی اسم و نیز در جواب کسی دیگر گفته بود : تصوف کوتاهی امل است و مداومت عمل وقتی دیگر در معنی ایمان و توکل بسوال کسی جواب گفته : آنکه نان از پیش خربش خوری و لقمه خورد خانی به آرام دل و بدانی که آنچه تراست از تو فوت نشود .

ابوالحسن سنجستانی : شیخ ابوالحسن بشری ( ۲ ) اصلاً سنجستانی و از عرفای مشهور است

که در قرن چهارم هجری میزیسته متافانه تاریخ تولد و وفات او معلوم نیست طوریکه در نامه دانشوران مضبوط است او از پیران شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری بوده و شیخ الاسلام در کتاب خرد ( تاریخ عرفا ) ازو بسیار تمجید نموده و نیز نوشته

( ۱ ) لیس فی الدنيا شیء اصبح من محب بسبب و عوض .

( ۲ ) بشری بکسر بآ و سکون شین وراء مکسور خوانده می شود .

است که از همه پیران ۳ نفر را یعنی شیخ ابوالحسن خرقانی و ابو عبدالله طاقی و شیخ ابوالحسن بصری را از همه بالاتر دیدم و او خود با عبدالله ابن خفیف نسبت داشته بلکه از شاگردان وی شمرده می شود از کلمات اوست که گفته: چون در شخص حسن صوری دیده ای از آن پی بحس باطنی بیرون.

شیخ ابوالحسن بستی: ابوالحسن بستی هم از عرفا و فضلا نیست که در قرن چهارم بدیار بست میریزد، بانک در بین اهل طریقت شهرتی به سزا داشته متاسفانه در تذکره ها کمتر نام و نشانی از او ذکر شده بلکه تاریخ تولد و وفاتش هم نا معلوم است فقط نامه دانشوران وی را از عرفای قرن چهارم هجری یاد کرده و از شاگردان شیخ ابو علی فارمدی مینویسد.

غرض: شیخ ابوالحسن مرد فاضلی بوده و گاه گاهی اشعاری نیز سروده از کلمات اوست که گفته آنرا که همت بر طلب علم باشد هر چند بمقام علم نرسیده باشد لا اقل از جهل مرکب دور باشد و اگر به مقام علم رسید جهل از اطراف وی به پرتگاه نیستی قدم خواهد نهاد و چون در مرد جهل بسیط نباشد او را رفته رفته بمقام قرب خواهد کشانید.

و نیز گفته آنرا که علم است و عمل درو نیست ضایعتر از جاهل است چه جاهل همیشه بر خطای خود معترف و عالم بی عمل خود را اهل خطا نداند و همیشه از وجود او فساد ظاهر شود.

### رسال جامع علوم دینی

ابوالحسن نجار هروی: شیخ ابوالحسن نجار از مشهور ترین عرفای قرن پنجم هجری است،

صاحب تفحات الانس می نویسد او دروگری بود در قهندز (۱)

که کسی با او چندان معرفتی نداشت ولی مرد بزرگ و باشکوهی بود، وقتی وی را در مکه دیده بودند که پنجاه رکوه (۲) دارباخورد داشت شیخ اسلام او را دیده و در کتاب خود از وی بستی چیزها نوشته که عیناً در تفحات نیز مضبوط است که اگر مابه تحریر آن پردازیم بر تفصیل است

(۱) قهندز از نواحی عراق است که حضرت خواجه عبدالله انصاری هم بآن شهر نسبت دارد.

(۲) رکوه بفتح راه و سکون کاف صرف آب و غیره.

غرض شیخ پس از مسافرت‌های چند در قهنتوز روزگار میگردد نید و در آنجا بسنه چهار صد و پنجاه وفات نموده وهم در همان شهر مدفون گشت از کلمات اوست که میگوید پنج صفت چون در بدایت حال مرد را میسر گردد اورا بمقام کمال کشاند : اول حسن خلق که مایه راحت و آسایش است ، دوم نیکوئی رفتار که مایه میل طبایع بدو باشد ، سوم توکل که اورا مضطرب نسازد بجهت امر معاش ، چهارم پرهیزگاری که اورا حفظ نماید از ناموس مردمان ، پنجم بلندی همت که اورا باز دارد از درد و نمان .

ابوالحسن هروی این مرد محترم نیز از جمله عرفای هرات است، اصلاً از معانیخ کازر گاه یا (گازیار گاه) و در بین عوام ابوالحسن سوهان اژن (۲) مشهور است شخص متقی بوده و پیرو بسیاری داشته است مع الاسف تاریخ تولد و وفات او بدست نیامد آنچه نامه دانش وران از کتاب شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری یافته و قید کرده اینست که وی در قرن چهارم هجری میزیسته ، وهم برویه شیخ الاسلام وی را نیز در مناجات کلمات زیرینده و جلالت برجسته اوست ، از قول اوست که میگوید آلهی ما را توفیق ده که همواره به طاعت باشیم و ما را غفلت مده که روی از طاعت برنایم، آلهی ما را به آخر کار خود مگذار ، که در آندم نفس بر ما چیره شود و از طریق هدایت روی بوا دی ضلالت گذاریم .

شوشگاه علوم انسانی و معارفات فرهنگی  
محمد بن فضل بلخی از مشاهیر اسلام در اوایل قرن چهارم هجری بوده،  
ابو عبدالله بلخی صاحب نفعات عالم علوم میتواند که او از طبقه ثانیه است کنیه وی  
ابو عبدالله و بلخی الاصل میباشد جهلا و متعصبان وی را بدون گناه و سببی از بلخ بیرون کردند ، بعد از وی از بلخ مانند او صوفی برانخواست ولی بمحضی که و در سمرقند شتافت شغل قضاوت آنجا بوی تفویض گشت پس از چندی از آن محل به نیشاپور عزیمت نمود در آنجا گاه گاهی حسب دعوت اهالی مجلس میکرد و بر کرسی وعظ جلوس مینمود نادر سال ۳۱۹ زنده گانی دنیا را وداع گفت می نویسد : ابوعمان حیری بوی نوشت که علامت شقاوت چیست گفت سه چیز : یکی آنکه علم دهند و توفیق عمل ندهند ، دوم از اخلاص دور گردانند ، سوم دولت صحبت  
(۲) سوهان اژن سوزن گریها جامه دوز را میگفتند.

دوستان خداستعالی دریابند ووظیفه ا کرام و احترام بجا نیاوردند و نیز از سخنان وی نقل شده :  
آن چیز که بودوی همه نیکوئیها نیکو شود و به نبودش همه رشتیها زشت گردد استقامتست .

ابو عبدالله ترمذی محمد بن علی حکیم ترمذی از عرفای مشهور اسلام و کبار مشایخ است ،  
بروایت نفعات جای از طبقه ثانیه است ، حدیث بسیاری روایت کرده  
و اورا تصانیف متعددیست و کرامات شاعر اندر بیان هر کتاب چون ختم الولاية و کتاب المنهج  
و نوادر الاصول و غیره کرده علاوه تفسیری ابتدا کرده بود که عمر او به انجام آن وفا نکرد ،  
با ابوتراب نخعی واحد خضرویه و ابن جلا صحبت کرده و ما آنکه نزد مشایخ معاصر و تذکره نویسان  
قدیم حیات و ممات او قدر منزلتی داشته و کسی اورا در یتیم خوانده و برخی یکتای عالمش گفته اند  
متأسفانه تاریخ تولد و وفات او نا معلوم است از قریبه معاصرین او چنان مفهوم می شود که در اواخر  
قرن دو و اوایل قرن سوم میزیسته از کلمات اوست : من جهل باوصاف العبود تیه فهو باوصاف  
الر بویته اجمل ( کسی که خودرا نشناسد اورا چون شناسند )

ابو عبدالله مولی شیخ ابو عبدالله مولی نیز از بزرگان عالم اسلام است که در زهد و  
تقری بزمان خودش شهرتی بسزا داشته .

تاریخ تولد و وفاتش محققاً بدست نیست فقط بقول نویسنده گان نامه دانش وران از عرفای  
اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری شناخته شده و با سلطان محمود غزنوی معاصر بوده  
محل نشو و نمایش هرات و هم در آن شهر بنشر مقالات عرفانی میپرداخته .  
او بایر ابو - سفید نیز معاصر بوده و هر دو در محاضرات عامه موعظه میکردند چنانچه روزی در  
جامع هرات هنگام بیانات خویش گفت اگر شما را توحید صرف در کار است اینک مختصری  
از ان اظهار نمودم و اگر هم کفج و کدوی ( ۱ ) باید ابو سفید آمده و برای شما بگوید .

ابو عبدالله مختار بن محمد بن احمد هروی از مشایخ و عرفای مشهور قرن سوم هجری  
است که با طاهریان و صفاریان معاصر بوده و در هرات اصحاب و

( ۱ ) علم کفج و کدوی از کنایات اهالی آن بلاد بوده و آن کنایه است از علوم مرکبه که  
نسب از علم توحید است .

و پیر و بنیاری داشته با ابوزبید بسطامی و شیخ ابراهیم سنبه هروی نیز هم عصر است .  
 اصیل‌الدین واعظ صاحب رساله مزارات می نویسد که پدر سید ابوعبدالله بخارا ، محمد هروی  
 از اعیان مشایخ هرات و او از سادات حسینی بوده در علوم صوری و معنوی فی مابین مسلمانان  
 خویش کثیر نظیر داشته اند ، ابوالعلی بن مختار العلوی حسینی مشهور بسید امام هم از اتباع او  
 بود که بر حسب و سیت خویش بعد وفات در پایان پای وی مدفون گردید وفات او در سال  
 دوسد و هفتاد و هفت هجری واقع شده و مدفنش در کره شمالی هرات واقع و بر سر آن عمارتی  
 بر پاشده که زیارتگاه عام است .

محمد بن فضل بن محمد طاق ( ۱ ) از مشایخ بزرگ هرات و از عرفای  
 ابو عبدالله طاقی  
 نامدار اوایل قرن پنجم هجری است ، که نزد بعضیها بخواجه طاق  
 مشهور میباشد ، خواجه طاق اصلاً سجستانی بوده ولی در هرات نشو و نما یافته و همانجا زندگانی  
 را پایان رسانیده و معاصر باشیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری است ، صاحب نفعات مینویسد  
 که خواجه عبدالله انصاری گفته : وی پیر من است و هم استاد من در عقاید خبلیان ؛ اگر من  
 او را ندیدی اعتقاد خبلیان ندانستم ، و هرگز با هیبت تر ( از طاق ) هیچ حضرتی راه ندادم  
 همه مشایخ وی را تعظیم میداشتند داد خداوند ولایات و کرامات بوده و هم فراست داشته است .  
 وفاتش در سال ( ۴۱۶ ) اتفاق افتاده و مدفنش بقول اصیل‌الدین واعظ در بیرون درب خوش  
 هرات واقع است که - لمطان ابو سعید بر تربتش عمارتی بنا نمود و سلطان حسین میرزا نیز دهلیز  
 و در بندی در آنجا ساخت هر دو پادشاه بر زیارت او عبور کنند و تا کنون مقبره وی زیارتگاه واردین  
 هرات است .

احمد ابن عبدالرحمن بن نصر مالینی از مشاهیر متصوفین هرات است که در  
 ابو عبدالله مالینی  
 نزد عوام به شیخ ابو عبدالله مالانی ( ۲ ) مشهور است . بروایت کتاب  
 ( ۱ ) طاق قریه ایست در - جیتن ( سیستان ) که آعارف کامل اصلاً بدانجا منسوب است  
 و از آن رهگذر خواجه طاق یا طاق مشهور شده اند .  
 ( ۲ ) مالین بحالناً مشهور مالان و قریه ایست در کنار هری رود سمت جنوبی شهر هرات که پل  
 نهر مذکور هم موسوم به پل مالان است .

مولانا جای از مهینان مشایخ هرات و از اقران شیخ عمو ( صوفی معروف ) است و هم با وی متفقاً حج کرده مشایخ حرم را دیده در زهد و ورع یگانه عصر خویش بوده شیخ الاسلام خواجه انصار هم معاصرش بوده و بلکه بعد از ممات نیز همواره بزبانت خاک وی میرفته است ، در تجرید و ترك دنیا همیشه سخن میگفت و سخنانش در دلها کمال اثر را داشت سال تولد و وفات او بطور وضوح معلوم نیست از قرینه معاصرین او چنان استفاد میگردد که شیخ ابو عبدالله مالانی در اوایل قرن پنجم میزیسته مقبره او شان در قریه مالان هرات معروف است .



پژوهشگاه علوم انسانی  
پرتال جامع علوم انسانی

اگر عقل حکمی عالم را هم در محیط پستی بیاندازند که همه روزه با فساد اخلاق و جهل و شرارت مواجه باشد بزودی خوی حیوانی گرفته و بدون آنکه خودش هم ملتفت باشد همرنگ محیط خویش میگردد . دیگر چه رسد بکودک ناتوانی که مغز و فکر او مانند نهال نازه ایست که هر طور بآن تعلیم بدهند همانطور تربیت می شود .